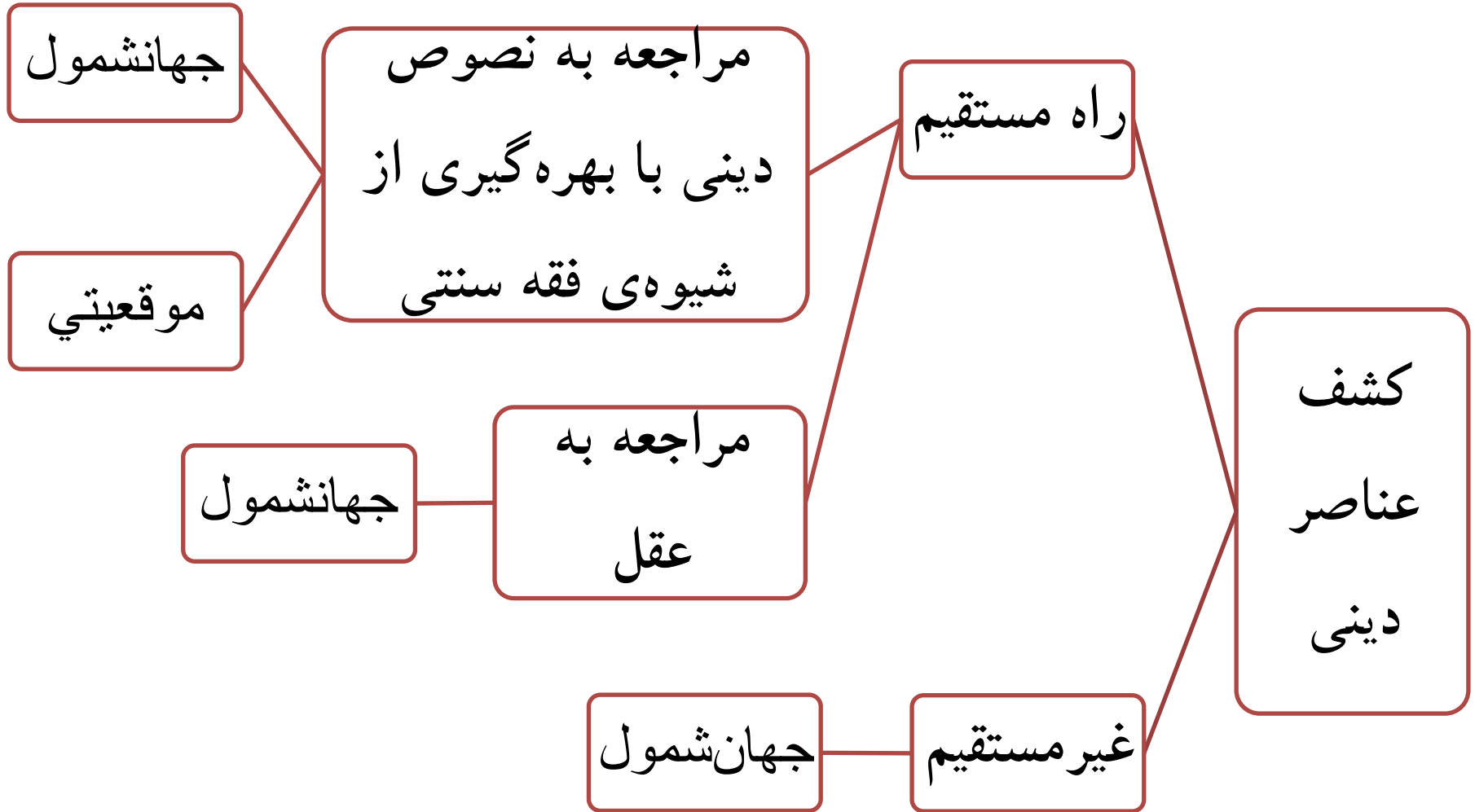


علم أصول الفقه

١٤ ٠٣-١٢-٩٠ الحجة على النظام

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

کشف عناصر دینی



تفکیک عناصر جهان شمول از موقعیتی

اصالت اطلاق

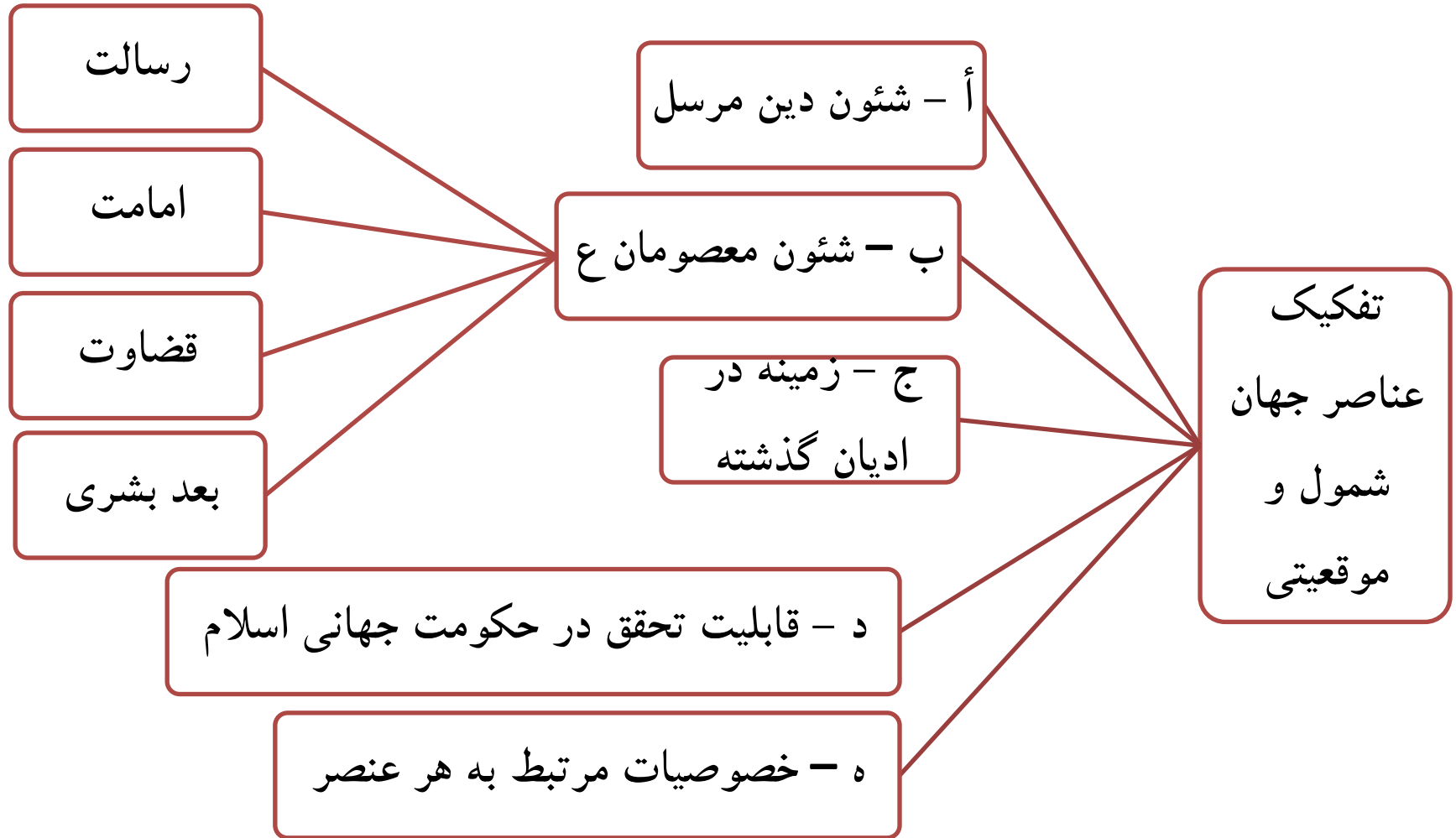
قاعدہی اشتراک

اصالت ثبات (اصل
جهان شمولی)

تفکیک عناصر جهان شمول از موقعیتی

- از این رو، دین مرسل آمیزه‌ای از عناصر جهان شمول و موقعیتی است که برای جدا کردن آنها از یکدیگر توجه به چند امر ضروری می‌باشد:

تفکیک عناصر جهان شمول از موقعیتی



روش دستیابی به فلسفه، مکتب، نظام و سازوکار

- أ - شئون دین مُرسل
- درباره‌ی این امر قبلاً توضیح دادیم و گفتیم: دین مُرسل از یک سو به دین نفس الامری ارتباط دارد و از آن سرچشمه می‌گیرد که این امر جهان‌شمولی و ثبات عناصر آن را اقتضاء می‌کند و همین نکته مورد توجه علما گذشته بوده که به اصالت ثبات، یا اصل جهان‌شمولی عناصر دینی تاکید داشته‌اند و بر آن مبنا به استنباط و استخراج احکام دینی پرداخته‌اند.

روش دستیابی به فلسفه، مکتب، نظام و سازوکار

- ولی از سوی دیگر، دین مُرسَل، حتی دین خاتم، در موقعیت خاصی نازل شده و چه بسا این موقعیت در نحوه‌ی بیان عناصر دینی، و یا حتی شکل‌گیری خود این عناصر تأثیر داشته است. و این امر به خصوص در حوزه‌ی امور اجتماعی و به ویژه در سنت معصومان علیهم السلام و بالخصوص در سنت فعلی و رفتاری آنها باید مورد توجه قرار گیرد.

روش دستیابی به فلسفه، مکتب، نظام و سازوکار

- ب - شئون معصومان علیهم السلام
- بدون شک یکی از شئون نبی اکرم صلی الله علیه وآله وسلم نبوت و رسالت آن حضرت است که اقتضاء می‌کند، پیام آور دین مُرْسَل و رساننده‌ی آن به آدمیان باشد. به موازات این شأن در آن جناب در امامان معصوم علیهم السلام باشان امامت، به معنای علم الهی لدُنْی، و نه به معنای زعامت و رهبری، مواجه هستیم که اقتضاء می‌کند مفسّر و توضیح دهنده‌ی عناصر دینی برای مردم باشند.

روش دستیابی به فلسفه، مکتب، نظام و سازوکار

- این شأن معصومان علیهم السلام شأن ابلاغ و توضیح دین مُرسل است. به لحاظ این شأن آن بزرگواران، بیانگر آنچه در دین مُرسل آمده است، هستند. و قبلاً گفتیم که دین مُرسل به لحاظ ارتباطی که با دین نفس الامری دارد، دربردارنده‌ی عناصر جهان شمول می‌باشد. ولی توضیح و ابلاغ آن، توجه به فهم و فرهنگ مخاطبان را اقتضاء می‌کند. البته این نکته نیز باید مورد توجه قرار گیرد که اسلام به عنوان دین خاتم آمده است تا برای همیشه بماند و راهنمای بشریت باشد، پس در توضیح و ابلاغ آن به این گستره‌ی گسترده مخاطبان نیز توجه شده است (۷۲).

روش دستیابی به فلسفه، مکتب، نظام و سازوکار

- شأن دیگر معصومان علیهم السلام ولایت، به معنای زعامت و رهبری امت، است (۷۳). این شأن توجه و تاکید بر موقعیت را اقتضاء می‌کند. زیرا زعیم و رهبر نمی‌تواند بدون توجه به شرایط عینی و موقعیت واقعی به انجام مسئولیت خود پردازد. پس اگر مطلبی با توجه به این شأن از آن بزرگواران صادر شود، احتمال اختصاص آن به موقعیت بسیار قوی خواهد بود. و این همان است که از آن به «حکم ولایی» یا «حکم حکومتی» تعبیر و در کلمات فقهای بزرگ ما وابسته به موقعیت محسوب شده است (۷۴).

روش دستیابی به فلسفه، مکتب، نظام و سازوکار

- قضاوت، به معنای فصل خصومت و رسیدگی به دعاوی مردم، شأن دیگر معصومان علیهم السلام است که بدون شک اقتضاء می‌کند، کاملاً ناظر به مورد حکم صادر کنند، هر چند در این حکم، عناصر جهان شمول دینی ملاحظه خواهد شد.

روش دستیابی به فلسفه، مکتب، نظام و سازوکار

- افزون بر آنچه گفته شد، معصومان علیهم السلام انسان و بشری مانند دیگران بودند قل انما انا بشرٌ مثلکم (۷۵) و همین امر باعث می‌شد دارای افعال طبیعی، مانند خوردن و آشامیدن باشند. و چون در فرهنگ خاصی می‌زیستند این امر در نوع خوراک، پوشاک و اموری از این قبیل تأثیر می‌گذاشت.
- بدون شک در تمام این موارد آن بزرگواران بر اساس عناصر جهان شمول و احکام ثابت الهی عمل می‌کردند، ولی این امر باعث نمی‌شد که رویه‌ی آنان غیر متعارف و گسیخته از غرایز انسانی و عرف و آداب و رسوم، و به طور کلی، فرهنگ آن روزگار باشد.

روش دستیابی به فلسفه، مکتب، نظام و سازوکار

- توجه به این شئون و تفکیک اقوال و افعال آن بزرگواران به این لحاظ امکان تفکیک عناصر جهان شمول از موقعیتی را به ما خواهد داد. در این میان، برخی بزرگان بعضی شواهد و قرائن عمومی را برای تعیین یک شأن خاص مطرح کرده‌اند.
- به عنوان نمونه، حضرت امام خمینی معتقد است: هر مطلبی که با الفاظ «قضی»، «حکم»، «امر» و امثال آن (قضاوت کردن، حکم کردن، فرمان دادن و مانند آن) نقل شده باشد، مقصود از آن بیان مطلبی مربوط به شأن ولایت، به معنای زعامت، یا قضاوت آن حضرات علیهم السلام است (۷۶).

روش دستیابی به فلسفه، مکتب، نظام و سازوکار

- ج - پیشینه‌ی یک عنصر دینی
- برای تشخیص ثبوت یا تغیر یک عنصر دینی باید به وجود، یا عدم آن در ادیان پیش از اسلام مراجعه کرد. در برخی موارد خود نصوص دینی به این مطلب پرداخته‌اند، مانند کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم (۷۷). این آیه نشان می‌دهد که حکم وجوب روزه، امری جهان‌شمول و ثابت و غیر وابسته به موقعیت است.

روش دستیابی به فلسفه، مکتب، نظام و سازوکار

- در برخی دیگر از موارد، رجوع به نصوص و شواهد تاریخی مربوط به ادیان گذشته، امکان دستیابی به وجود چنین عنصری در آنها را برای ما فراهم می‌کند.

روش دستیابی به فلسفه، مکتب، نظام و سازوکار

- در این حال، اصالت و صحت وجود این عنصر در آن دین اهمیت دارد. زیرا ممکن است در دین نهادی یهود، یعنی آنچه امروز به عنوان دین یهودیت شناخته می‌شود، عنصری وجود داشته باشد، ولی این عنصر در دین مُرسَل یهود، یعنی آنچه حضرت موسی علیه السلام برای مردم به ارمغان آورد، این عنصر نبوده، یا لااقل به این شکل نبوده است.

روش دستیابی به فلسفه، مکتب، نظام و سازوکار

- پس اگر ما «نجاست پیروان سایر ادیان» را در آیین فعلی یهود یافتیم، نمی‌توانیم آن را جزء دین مُرسَل موسوی قلمداد کنیم، مگر این که شاهی واضح بر این مطلب بیابیم.